

## بررسی اثرات توسعه صنعت بیمه بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران<sup>۱</sup>

نظر دهمرده<sup>۲</sup>

استاد گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت،  
دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و  
بلوچستان، ایران

مرضیه اسفندیاری<sup>۳\*</sup>

استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و  
مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان،  
سیستان و بلوچستان، ایران

زهره اسکندری پور<sup>۴</sup>

دانشجوی دکترای اقتصاد، دانشکده اقتصاد و  
مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان،  
سیستان و بلوچستان، ایران

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۵/۲۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۴/۳۰

### چکیده

دستیابی به رشد اقتصادی همراه با بهبود توزیع درآمد همواره از اهداف اصلی توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. در این راستا، سیاست‌گذاران به دنبال ابزارها و سیاست‌های تقویت‌کننده رشد و توزیع درآمد به صورت هم‌جهت و هم‌زمان هستند. از سوی دیگر انتظار بر این است صنعت بیمه با توجه با کارکرد توزیع ریسک و جبران خسارت آن و همچنین نقش آن در توسعه مالی، بتواند امکان دسترسی هم‌زمان به رشد

۱- نوع مقاله پژوهشی

2- nazar@hamoon.usb.ac.ir

۳- نویسنده مسئول: m.esfandiari@eco.usb.ac.ir

4- eskandarieconomist@gmail.com

DOI: pm.v26i18.74801/۱۰,۲۲۰۶۷

اقتصادی و توزیع درآمد را فراهم کند. در مطالعه حاضر برای آزمون این فرضیه روش خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) طی دوره زمانی ۱۳۵۴-۱۳۹۵ به کار گرفته شده است. نتایج نشان داد توسعه صنعت بیمه می‌تواند در کوتاه مدت دسترسی همزمان به رشد اقتصادی و توزیع درآمد را فراهم کند. اما در بلندمدت صرفاً رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. با این وجود در بلندمدت می‌توان جهت دسترسی همزمان به رشد اقتصادی و توزیع درآمد به سرمایه انسانی و فیزیکی اتکا کرد. هم‌چنین بر اساس الگوی تصحیح خطا؛ در هر دوره به ترتیب ۸۸/۲ و ۶۸/۱ درصد از عدم تعادل‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی سرانه بدون نفت و ضریب جینی تعدیل می‌شود.

### طبقه‌بندی JEL: O15، O29، G22

**کلیدواژه‌ها:** بیمه، جبران خسارت، ریسک، توسعه مالی، ضریب جینی، تولید ناخالص داخلی، وقفه‌های توزیعی.

### مقدمه

دستیابی به رشد اقتصادی و بهبود توزیع درآمد همواره از اهداف اصلی توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند. براساس نظریه‌های سنتی توسعه، دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر و ایجاد فرصت‌های مناسب اقتصادی برای گروه‌های کم درآمد، محور استراتژی‌های توسعه است؛ اما با گذشت زمان مشخص شد هرچند کشورها نرخ‌های سریع رشد اقتصادی داشتند، اما گروه‌های کم درآمد و فقیر از منافع ناشی از آن بهره‌چندانی نبردند. نارسایی‌های بخش‌های اقتصادی، رکود، بیکاری شدید، تغییرات جمعیتی و اقتصادی موجب شده است تا اقشار کم درآمد از کمک‌های دولت و سایر پیشرفت‌های جامعه بهره‌مند نشوند (Elmi & Rayani, 2013). وجود نابرابری گسترده در توزیع درآمد به بروز فقر و افزایش دامنه آن منجر می‌شود؛ به علاوه سطوح بالای نابرابری درآمد، توالی رشد اقتصادی و به تبع آن فرآیند کاهش نابرابری درآمد را کند می‌کند (Mehregan & Salariyan 2008:243). در نتیجه این وقایع سیاست‌گذاران توسعه اقتصادی را هبرد رشد همراه با باز توزیع درآمد (Growth with Redistribution:GWR) را توصیه کردند. در راستای این راهبرد استفاده از ابزارهای سیاستی همچون بیمه که قادر باشند رشد اقتصادی و توزیع درآمد را به‌طور همزمان بهبود بخشد، راهگشا خواهد بود. امروزه تمامی فعالیت‌های اقتصادی و غیر اقتصادی با ریسک و نااطمینانی مواجه هستند. این

ریسک و نااطمینانی از یکسو فضای کسب و کار و جریان سرمایه گذاری و نهایتاً رشد اقتصادی را مختل می کند و از سوی دیگر به واسطه خسارت های وارد شده از محل آنها، سطح رفاه افراد کاهش می یابد. این مسئله حداقل در گروه های درآمدی پایین می تواند به تشدید فقر و نهایتاً شکاف طبقاتی در جامعه دامن زند. این در حالی است که صنعت بیمه با توزیع ریسک (و راهکارهای آن در قبال نااطمینانی) و جبران خسارت هزینه های مربوطه را حداقل می کند. صنعت بیمه از این طریق فضای مساعدی را برای کسب و کار و سرمایه گذاری فراهم می کند و همچنین مانع از کاهش قابل توجه سطح رفاه افراد در قبال هزینه های ریسک و نااطمینانی می شود. از طرفی از آنجا که فاصله زمانی بین پرداخت خسارت و تجمیع حق بیمه تولیدی در رشته مختلف صنعت بیمه امری متداول است، وجوه عظیمی در اختیار بیمه گر است؛ انتظار بر این است بیمه گر بتواند از محل این وجوه منجر به توسعه مالی (تأمین اعتبارات کوتاه مدت و میان مدت) شده و دسترسی افراد کم درآمد و واحدهای اقتصادی مربوطه به منابع مالی را سهولت بخشد و از این طریق نیز منجر به بهبود توزیع درآمد و رشد اقتصادی شود. بر همین اساس در مطالعه حاضر این سؤال که «آیا توسعه صنعت بیمه امکان دسترسی همزمان رشد اقتصادی و توزیع درآمد را فراهم می کند؟» در مورد اقتصاد ایران مورد بررسی قرار می گیرد. در این راستا از روش خودرگرسیون با وقفه توزیعی (Autoregressive distributed lag:ARDL) طی دوره زمانی ۱۳۵۴-۱۳۹۵ استفاده شده است.

در ادامه مقاله؛ در بخش دوم مبانی نظری بیان می شود، در بخش سوم پیشینه مطالعات تجربی مرور می شوند. در بخش چهارم مدل تحقیق ارائه می شود. بخش پنجم به برآورد مدل و تحلیل نتایج اختصاص یافته است و در بخش ششم نیز نتیجه گیری صورت می گیرد.

### مبانی نظری

کارایی نظریه های کلاسیک بیان می کردند نابرابری درآمد، انگیزه لازم برای انباشت سرمایه و رشد اقتصادی را فراهم می کند. این نظریه برای سال های طولانی در عرصه اقتصادی مسلط بوده و به عنوان یک واقعیت مسلم در برنامه های توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه تلقی می شد (Saint - Paul & Verdier, 1996). ولی از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، به ویژه از دهه ۱۹۷۰ با ملاحظه افزایش شکاف درآمدی میان فقرا و ثروتمندان و همچنین تحول در آگاهی عمومی به

افزایش کیفیت زندگی تأکید شده است (Mehregan & Salarian, 2008:13). به‌طور کلی اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک معتقدند توزیع غیر یکنواخت درآمد می‌تواند اثر مثبت بر فرایند رشد داشته باشد و برعکس عده‌ای دیگر مانند میردال و سن معتقدند رشد اقتصادی مستلزم بهبود در توزیع درآمد است و در واقع کاهش نابرابری را ضروری می‌دانند (Khodadakashi and Heidari, 2008:153). به هر حال اگر رشد اقتصادی و بهبود در توزیع درآمد دو مؤلفه اساسی توسعه اقتصادی در نظر گرفته شود، سه راهبرد برای توسعه متصور است (Sharifzadegan, 2007:23-24):

الف) تقدم رشد اقتصادی بر بازتوزیع درآمد (GTR Growth then Redistribution): بر این اساس با رشد اقتصادی و ایجاد ظرفیت‌های گسترده اقتصادی و بزرگ شدن حجم اقتصاد، به‌طور خودبه‌خود، شرایط اشتغال و کار برای همه گروه‌های اجتماعی و درآمدی فراهم می‌شود و از این طریق توزیع درآمد متعادل محقق می‌شود. تجارب جهانی و مطالعات صورت گرفته عدم تحقق این امر را به خوبی نشان می‌دهد. ب) تقدم باز توزیع درآمد بر رشد اقتصادی (Redistribution then Growth:RTG): در این راهبرد، منابع جامع عمدتاً صرف توزیع مناسب درآمد می‌شود و سرمایه‌گذاری برای رشد اقتصادی و توجه به آن در درجه بعدی قرار می‌گیرد و عملاً ظرفیت‌های اجتماعی جامعه تضعیف می‌شود. تجارب و مطالعات زیادی نشان می‌دهد که اجرای این سیاست در بلندمدت نه به توزیع متعادل درآمد می‌رسد و نه به رشد اقتصادی. ج) رشد همراه با باز توزیع درآمد (Growth with Redistribution:GWR): در این راهبرد تأکید می‌شود که باز توزیع درآمد نمی‌تواند بدون تکیه به اقتصادی پررونق و توانا کار به جایی ببرد. در این راهبرد سیاست‌های اجرایی باید بتواند هم به نفع رشد اقتصادی و هم به نفع توزیع درآمد عمل کنند. توسعه صنعت بیمه با هدف تقویت رشد اقتصادی و بهبود توزیع درآمد نیز می‌تواند جزو سیاست‌های راهبرد مذکور در نظر گرفته شود.

هارولد و اسکپیر (Harold & Skipper, 1998) بیان کرد که از دیدگاه عملکردی شرکت‌های بیمه می‌تواند از دو کانال: الف) انباشت سرمایه (فیزیکی و انسانی) و ب) نوآوری فنی، روی رشد اقتصادی تأثیر داشته باشند؛ که این عملکرد در هفت زمینه است: ۱) بیمه باعث افزایش ثبات مالی می‌شود؛ ۲) بیمه جان‌نشین و تکمیل کننده‌ای برای برنامه‌های تأمین اجتماعی دولت است؛ ۳) بیمه تجارت و معاملات را تسهیل می‌کند؛ ۴) بیمه به تحرک پس‌اندازها کمک می‌کند؛ ۵) بیمه

مدیریت ریسک را تسهیل می‌کند؛ ۶) بیمه به کاهش خسارت کمک می‌کند؛ ۷) بیمه به تخصیص کارآمد سرمایه کمک می‌کند. شرکت‌های بیمه می‌توانند وجوه حاصل از حق بیمه‌های تولیدی را در تأمین اعتبار کوتاه‌مدت و میان‌مدت واحدهای اقتصادی مورد استفاده قرار دهند. از این منظر شرکت‌های بیمه به عنوان مؤسسات مالی منجر به توسعه مالی می‌شوند. مرتن (Merton, 1992)، مرتن و بودای (Merton & Bodi, 2004, 1995) و لوین (Levin, 2004, 1997, 1993) در مطالعات نظری خود بیان کردند که مؤسسات مالی از طریق تحرک پسانداز، تخصیص منابع، کنترل وام‌گیرندگان و اعمال کنترل مشارکتی، تسهیل در مدیریت ریسک و تسهیل در مبادلات کالا و خدمات از دو کانال: ۱) انباشت سرمایه و ۲) نوآوری فنی به رشد اقتصادی کمک می‌کنند (Sage and Kardegar, 2006: 4).

گرین وود و جووانوویچ (Greenwood & Jovanovich, 1990) رابطه تأمین مالی و نابرابری را در قالب یک مدل رشد درونزا بررسی کردند. مدل نظری گرین وود و جووانوویچ (Greenwood & Jovanovich, 1990)، راه حل پویایی برای رابطه بین تأمین مالی و نابرابری ارائه کرد به این صورت که در مراحل اولیه توسعه موقعی که واسطه‌های مالی کمتر توسعه یافته هستند، اقتصاد به آرامی رشد می‌کند. در مرحله میانی توسعه همراه با رشد اقتصادی سریع‌تر و توسعه مالی عمیق‌تر، نابرابری درآمدی بیشتر می‌شود و در مرحله بلوغ هنگامی که یک ساختار مالی بسیار توسعه یافت و عوامل بیشتری به بخش واسطه مالی دسترسی پیدا کردند درجه نابرابری درآمدی کاهش خواهد یافت و در نهایت ثابت و پایدار می‌شود (Liang, 2006). برخلاف فرضیه - معکوس گرین وود - جووانوویچ، برخی دیگر از کارهای نظری یک رابطه خطی و منفی بین توسعه مالی و نابرابری درآمدی پیشنهاد می‌کنند. مدل گالور و زیرا (Galor & Zheira: 1993) الگوی پویای توزیع درآمد در اقتصادی است که در آن سرمایه‌گذاری غیرقابل تقسیم (Undividable Investment) بوده، عاملین اقتصادی برای دو دوره در نظر گرفته شده و نسل‌های مختلف توسط ارث و میراث به هم مربوط می‌شوند. عاملین اقتصادی می‌توانند یا به عنوان نیروی کار غیر ماهر در هر دوره کار کنند یا اینکه در اولین دوره در سرمایه انسانی سرمایه‌گذاری کرده و در دومین دوره به عنوان نیروی کار ماهر مشغول به کار شوند. به هر حال در نتیجه نقصان‌های بازار سرمایه، شانس و فرصت سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی به عواملی که از ارث و میراث نسبتاً زیادی برخوردار شده‌اند و یا آن دسته از افرادی که تأمین وجوه مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی به اعتبارات

خارجی دسترسی پیدا می کنند، محدود می شود. بر اساس نتایج حاصل از مدل گالور و زیر (Galor & Zheira, 1993)؛ در بلندمدت ثروت بین دو گروه از افراد، افراد پردرآمد که کارکنان ماهری هستند و افراد کم درآمد که کارگران ساده هستند، تقسیم می شود. گروهی ثروتمند که خانواده‌هایی با سطوح آموزش بالاتر هستند و گروهی فقیر با سطوح آموزش پایین تر. توسعه بازارهای مالی سطوح وسیع تر و دسترسی آسان تری به منابع مالی را برای خانواده‌های فقیر فراهم خواهد کرد. همگام با توسعه مالی محدودیت‌های اعتباری که خانوارهای کم درآمد با آن مواجه هستند، برداشته خواهد شد و این امر به کاهش نابرابری توزیع درآمد کمک خواهد نمود (Jaberi, Khosroshahi et al., 2012: 184).

چچی و گارسیا-پنالوسا (Checchi & Garcia-penaloso, 2004) نشان داد که یک مکانیسم مشابه به بیمه می تواند به انباشت سرمایه انسانی کمک کند. آنها از ارث به عنوان یک مکانیزم شبه بیمه یاد کرده‌اند که به کاهش خطر ابتلا به نوسانات اقتصادی کمک می کند. بر اساس بررسی آنها ارث می تواند از طریق شکل گیری سرمایه انسانی و بهبود آموزشی منجر به کاهش نابرابری درآمد شود. آنها همچنین نشان دادند که شرایط ریسکی منجر به افزایش نابرابری درآمدی می شود. گالی و گارسیا-پنالوسا (Checchi & Garcia-penaloso, 2002) و گارسیا-پنالوسا و تونوسکی (Garcia-penaloso & Turnosky, 2005) هم نشان دادند که افزایش ریسک‌های اقتصادی منجر به نابرابری درآمدی می شود. این در حالی است که صنعت بیمه با توزیع ریسک‌ها و جبران خسارت می تواند هزینه‌های ریسک را حداقل کرده و مانع از تشدید نابرابری درآمدی شود.

### مطالعات تجربی

مطالعات فراوانی در مورد رشد اقتصادی و توزیع درآمد صورت گرفته است که بر اساس مبانی نظری از بین آنها مطالعاتی که بر صنعت بیمه و توسعه مالی تأکید داشته‌اند ارتباط نزدیک تری با موضوع مطالعه حاضر دارند. به برخی از این مطالعات در ادامه اشاره می شود. لی و همکارانش (Li & et al, 1998) با به کارگیری داده‌های ۴۰ کشور توسعه یافته و در حال توسعه طی سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۴ به این نتیجه رسیدند کشورهایایی که در آنها بازارهای

مالی از کارکردهای بهتری برخوردار هستند قویاً با نابرابری درآمدی پایین تری دارند. وارد و زوربروگ (Ward & zurbruegg, 2000) رابطه علی بین رشد فعالیت‌های بیمه و رشد اقتصادی در ۹ کشور عضو OECD را طی سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۹۶ از طریق روش خودرگرسیون برداری (Vector Autoregression) بررسی نموده‌اند. نتایج نشان داد که فعالیت‌های بیمه‌ای در دو کشور کانادا و ژاپن باعث افزایش رشد اقتصادی شده است، در حالی که در کشور ایتالیا یک رابطه دو طرفه ضعیف بین بیمه و فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد. در کشورهای دیگر شواهد و دلایلی برای وجود رابطه وجود ندارد. آزمون رابطه علی با توجه به مدل تصحیح خطا نیز نتایج فوق را تأیید می‌کند، تنها استثناء در مورد دو کشور فرانسه و استرالیاست که در آنها رابطه نسبتاً ضعیفی وجود دارد. این تفاوت نتایج بین کشورها به خاطر اثر عوامل مختلف مختص هر کشور (نظیر وضعیت فرهنگی، مقررات، محیط سیاسی، بهبود عملیات واسطه‌گری در بخش مالی) است. وب و همکاران (Webb & et al, 2002) اثر عملیات بانکی و بیمه بر افزایش سرمایه و تولید را برای ۵۵ کشور طی دوره زمانی ۱۹۹۶-۱۹۸۰ مورد بررسی قرار داده‌اند. رگرسیون تک معادله‌ای، با در نظر گرفتن متغیرهای مالی برونزا، نشان دهنده اثر مثبت توسعه بانکی بر رشد اقتصادی است، در حالی که متغیر بیمه، اثر معنی‌داری ندارد. نتایج معادلات همزمان، با در نظر گرفتن متغیرهای درونزا، با فرض رابطه درونزا بین فعالیت‌های مالی و رشد اقتصادی، نشان می‌دهد که سطح بالای عملیات بانکی و حق بیمه زندگی دریافتی بالا منجر به نرخ بالای رشد اقتصادی می‌شود. در مورد رابطه این متغیرها در جهات دیگر، رشد اقتصادی بر ضریب نفوذ بیمه زندگی اثر می‌گذارد، در حالی که این امر در مورد عملیات بانکی زیاد قابل پیش‌بینی نیست. در مقابل هیچ رابطه‌ای بین بیمه‌های غیر زندگی و رشد اقتصادی در جهات مختلف وجود ندارد. کلارک و همکارانش (Clark & et al, 2003) با بکارگیری داده‌های پانل برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته برای سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۹۵ به این نتیجه رسیدند که کشورهای برخوردار از بخش مالی توسعه یافته‌تر از نابرابری درآمدی کمتری رنج می‌برند، همچنین نابرابری درآمدی همزمان با توسعه بازارها و واسطه‌های مالی کاهش می‌یابد. آنها هیچ‌گونه شاهد و مدرکی در مورد رابطه U شکل معکوس بین تأمین مالی و نابرابری پیدا نکردند. بک و لوین (Beck & Levin, 2003)، با استفاده از یک نمونه بین کشوری شامل ۵۲ کشور در حال توسعه و توسعه یافته طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۹ رابطه بین توسعه واسطه‌های مالی و تغییرات در توزیع درآمد را بررسی کردند. آنها به این

نتیجه رسیدند که در کشورهایی که از سطوح بالاتر توسعه واسطه‌های مالی برخوردار هستند نابرابری درآمدی یا سرعت بیشتری کاهش می‌یابد و همچنین توسعه مالی از طریق ارتقاء نامتناسب درآمد افراد فقیر نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد. کاگلر و افوگی (Kugler & Ofoghi, 2005) رابطه بلندمدت بین اندازه بازار بیمه و رشد اقتصادی را در کشور انگلستان طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۳ برای بیمه‌های بلندمدت و طی دوره ۱۹۷۱-۲۰۰۳ برای بیمه‌های عمومی مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها با استفاده از آزمون هم‌جمعی یوهانسن (Gohansen cointegration Test) دریافتند که یک رابطه بلندمدت بین توسعه اندازه بازار بیمه و رشد اقتصادی در تمامی مؤلفه‌های بازار بیمه وجود دارد. آزمون‌های علیت نشان می‌دهند که یک رابطه علی بین رشد اندازه بازار بیمه و رشد اقتصادی بلندمدت در هشت بازار بیمه وجود دارد. در مقابل رابطه علی کوتاه‌مدت تنها از بیمه‌های زندگی، تعهدات و خسارت‌های مالی به رشد اقتصادی مشاهده می‌شود. علاوه بر این شواهد نشان می‌دهد که یک رابطه علیت دو طرفه بلندمدت بین رشد اقتصادی و اندازه بازار بیمه در سه طبقه بیمه‌ای وجود داشته که در آنها نیز رابطه علیت از رشد اقتصادی به توسعه بیمه قوی‌تر از جهت معکوس آن است. مانوئل و بیتنکورت (Manoel & Bittencourt, 2006) به بررسی تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمدی در برزیل طی دوره زمانی ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۴ پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه رسیدند که توسعه مالی و گسترش نهادهای مالی تأثیری قوی و معنی‌دار بر نابرابری درآمدی دارد. اما این به این معنی نیست که افراد فقیر توانسته‌اند از این توسعه مالی بهره‌مند شوند زیرا عواملی مانند افزایش نرخ تورم مانع ورود افراد فقیر به این بازارها شده است. لیانگ (Liang, 2006) با استفاده از روش GMM، داده‌های استانی چین را طی ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۰ مورد بررسی قرار داد. وی به این نتیجه رسید که توسعه مالی قویاً بر الگوی توزیع درآمد تأثیرگذار است و نحوه اثرگذاری نیز به این صورت است که توسعه مالی در چین باعث کاهش نابرابری درآمدی در مناطق شهری شده است. سلیمان و آمر (Suleiman & Amer) به بررسی و تجزیه و تحلیل رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در کشور مصر طی دوره زمانی ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۱ پرداخته‌اند. نتایج حاکی از رابطه متقابل توسعه مالی و رشد اقتصادی در کشور مصر است هم‌چنین آنها اثبات کردند که توسعه مالی از طریق افزایش منابع برای سرمایه‌گذاری و افزایش کارایی سرمایه‌گذاری سبب رشد اقتصادی در این کشور می‌شود. جیمز (James, 2008)، به بررسی تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کشور مالزی از کانال‌های گوناگون پرداخته است. وی برای



بررسی این مکانیسم‌ها در مطالعه خود شش معادله را برآورد کرده است. نتایج نشان داد که توسعه مالی از طریق افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خصوصی، موجب رشد اقتصادی بالا در کشور مالزی شده است. نتایج حاصل از مطالعات وی، فرضیه درون‌زایی توسعه مالی و رشد، مبنی بر این که توسعه مالی از طریق افزایش کارایی سرمایه‌گذاری سبب رشد اقتصادی شده است را نیز تأیید کرد. آرنانا (Arena, 2008) رابطه علی بین فعالیت‌های بازار بیمه و رشد اقتصادی را در ۵۶ کشور (توسعه یافته و در حال توسعه) طی سال‌های ۱۹۷۶-۲۰۰۴ بررسی کرده است. وی برای بررسی خود از مدل پویای پنل دیتا (Panel Data) و روش گشتاورهای تعمیم یافته (Generalized Method of Moments (GMM)) استفاده می‌کند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان دهنده وجود یک رابطه مثبت و معنادار بین فعالیت‌های بیمه‌ای (کل، زندگی و غیرزندگی) و رشد اقتصادی است. اثر بیمه زندگی بر رشد اقتصادی تنها در مورد کشورهای با درآمد بالا صادق است، ولی در بیمه‌های غیرزندگی این اثر در هر دو گروه از کشورها وجود دارد، ولی در کشورهای توسعه یافته بیشتر از دیگر کشورهاست. نتایج همچنین وجود رابطه غیرخطی بین فعالیت‌های بیمه‌ای و رشد اقتصادی را تأیید نکرده است. وادلاناناتی (Wadlamannati, 2009) اثر رشد فعالیت‌های بیمه‌ای را به همراه سایر متغیرهای کنترل بر توسعه اقتصادی کشور هندوستان طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۶ مورد بررسی قرار داده است. نتایج این تحقیق مشارکت مثبت بخش بیمه در توسعه اقتصادی و رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها را تأیید می‌کند. با وجود اینکه اصلاحات در بخش بیمه اثری بر فعالیت‌های اقتصادی ندارد، رشد آنها بر توسعه اقتصادی تأثیر مثبت دارد. آنگ (Ang, 2009) رابطه بخش مالی و نابرابری را در کشور هند و با توجه به داده‌های سری زمانی این کشور طی دوره ۱۹۵۱-۲۰۰۳ بررسی می‌نماید. نتایج نشان می‌دهد با وجود در نظر گرفتن شاخص‌های متفاوت توسعه مالی، توسعه مالی نقش قابل توجهی در کاهش نابرابری توزیع درآمد ندارد. هان و همکاران (Han & et al, 2010) رابطه بین توسعه بیمه و رشد اقتصادی را با استفاده از مدل‌های گشتاورهای تعمیم یافته برای ۷۷ کشور طی دوره ۱۹۹۴-۲۰۰۵ بررسی نموده‌اند. بر اساس نتایج برای کشورهای در حال توسعه، توسعه بیمه عمومی، بیمه زندگی و غیرزندگی در مقایسه با کشورهای توسعه یافته نقش مهم‌تری در رشد اقتصادی دارند. بوركاسرو سیمون (Burkhause & simon, 2010) با بررسی داده‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی ایالات متحده طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۸ نشان دادند که غفلت از بیمه سلامت سطح رفاه

خانوارهای آمریکایی را کاهش داده و نابرابری‌ها را تشدید می‌کند. بنفلیگیولی (Bonfiglioli, 2012) با مطالعه ۶۷ کشور طی دوره‌های زمانی ۱۹۷۶-۲۰۰۴ نشان می‌دهد که توزیع ریسک از طریق بیمه‌ها می‌تواند تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران را ترغیب به ورود در امر تولید نماید. وی بیان می‌کند که سرمایه‌گذاری با ریسک کمتر از طریق توسعه صنعت بیمه ممکن می‌شود و در این فرآیند نوسانات عایدی‌ها و نابرابری‌ها کاهش می‌یابد. آبراهامسن و آسچی (Abrahamsen & Asche, 2012) و لی و لیاو (Li & liao, 2014) نیز به نتایج مشابهی در مورد بیمه و سرمایه‌گذاری خصوصی دست یافتند. لی و دیگران (Lee & et al, 2013) به ارتباط بین فعالیت بیمه‌های زندگی و رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های چهل کشور با سه سطح درآمدی طی دوره زمانی ۱۹۷۹-۲۰۰۷ با استفاده از روش *panel seemingly unrelated regressions* augmented Dickey-Fuller (SURADF) پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که یک علیت دو طرفه در کوتاه مدت و بلندمدت بین بیمه‌های زندگی و رشد اقتصادی وجود دارد. الحسن و فیادور (Alhassana & Fiador, 2014) به بررسی ارتباط بین ضریب نفوذ بیمه و رشد اقتصادی با استفاده از مدل ARDL و داده‌های کشور غنا طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. نتایج نشان داد ضریب نفوذ کل صنعت بیمه، بیمه زندگی و غیر زندگی بر روی رشد اقتصادی در بلندمدت تأثیر مثبت دارد. Motameni (2015) به بررسی تأثیر بیمه‌های خصوصی بر توزیع درآمد با استفاده از داده‌های بین استانی ایران طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۲ پرداخته است. نتایج نشان دادند که نابرابری درآمدی در ایران می‌تواند از طریق رشد بیمه‌های خصوصی کاهش یابد. روسیگنلو (Rossignolo, 2016)، به بررسی اثرات سیاست‌های مالیاتی و مخارج بر توزیع درآمد طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۱۳ در آرژانتین پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که سیاست‌های مالی یک ابزار قوی برای کاهش نابرابری درآمدی و فقر است اما سطح بالای مخارج منجر به ناپایداری برنامه‌ها می‌شود.

ایزینمان و همکاران (Aizenman & et al, 2016)، به بررسی تأثیر آموزش حرفه‌ای بر تولید و توزیع درآمد به صورت بین کشوری پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که آموزش‌های حرفه‌ای تأثیر بلندمدت و کارایی بر اشتغال خانوارهای فقیر در کشورهای آلمان، امریکا، تایلد و سنگاپور دارد. عزیزی و پاسبان (Azizi & Pasbn: 1998) رابطه بین بیمه زندگی و رشد اقتصادی ایران را با روش مجذور حداقل مربعات معمولی (Ordinary Least Squares (OLS)) بررسی نموده‌اند.

نتایج حاکی از آن است که بین حق بیمه سرانه زندگی و تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت وجود دارد. جعفری صمیمی و کاردگر (Jafarisamimi & Kardgar:2007) رابطه علی بین توسعه بیمه و رشد اقتصادی در اقتصاد ایران را طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۳۸ مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه مدل خود توضیح برداری VAR یا مدل تصحیح خطا (Error Correction Mechanism Model)) به همراه آزمون‌های مختلف در مورد پایداری و همجمعی برای تعیین علیت بکار رفته‌اند. نتایج وجود رابطه علی از بیمه و بیمه‌های زندگی به رشد اقتصادی را تأیید ولی رابطه علی از بیمه‌های غیر زندگی به رشد اقتصادی را تأیید نمی‌کند. مهرگان و سالاریان (Mehrgan & Salarian:2009) به بررسی تأثیر بیمه‌های اجتماعی بر نابرابری درآمد در ایران طی دوره زمانی ۱۳۴۴-۱۳۸۴ پرداخته‌اند. در این مطالعه فرضیه کوزنتس در مورد اثر بیمه‌های اجتماعی و توزیع درآمد آزمون شد. نتایج نشان داد که در ایران فرضیه کوزنتس صادق نیست. هم چنین، حق بیمه دریافتی بیمه‌های عمر و غیر عمر، باعث کاهش نابرابری می‌شوند و اثر بیمه‌های عمر بر کاهش نابرابری درآمد به مراتب بیش از اثر بیمه‌های غیر عمر است. در کل تأثیر بیمه‌های اجتماعی بر نابرابری، ناچیز ولی معنادار است. عصارى و همکاران (Assari & et al:2010) تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری را در کشورهای عضو اپک (OPEC) طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۴ بررسی نموده‌اند. در این مطالعه از مدل داده‌های تابلویی پویا و ایستا استفاده شده است، نتایج نشان داد توسعه مالی از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی می‌تواند سهم به‌سزایی در کاهش فقر و نابرابری در کشورهای نفت-خیز عضو اپک داشته باشد. جهانگرد (Jahangard:2012) به بررسی علیت بین رشد اقتصادی و رشد بیمه (با تمرکز بر مدل رشد اقتصادی طی دوره زمانی ۱۳۴۶-۱۳۸۶ به روش تودا و یاموتا (Toda & Yamamoto:1995) و ارزیابی اهمیت بخش بیمه در اقتصاد ایران (با تمرکز بر مدل فرضیه حذف بر اساس جداول داده- ستانده سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۸۰) پرداخته است. بر اساس نتایج رابطه علیت از سوی حق بیمه به سمت رشد اقتصادی بوده که این رابطه ناشی از حق بیمه‌های غیر زندگی است. در خصوص بیمه‌های زندگی، رابطه‌ای بین رشد اقتصادی و رشد بیمه‌های زندگی قابل تأیید نیست. مطابق نتایج به دست آمده از جدول داده-ستانده و در اثر حذف بخش بیمه، این بخش در اقتصاد ایران کلیدی نیست. شهبازی و همکاران (SHahbazi & et al:2014) رابطه تجربی بین توسعه بیمه‌های زندگی و غیر زندگی و رشد اقتصادی در ایران را با استفاده از روش ARDL طی دوره زمانی ۱۳۵۸-۱۳۸۸ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه

هم جمعی میان متغیرهای تحقیق است و حاکی از این است که بیمه زندگی در کوتاه مدت و بلندمدت تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی ندارد، ولی بیمه غیرزندگی در کوتاه مدت و بلندمدت بر رشد اقتصادی تأثیر معناداری دارد. همچنین، در بلندمدت یک رابطه علی یک طرفه از توسعه بیمه غیرزندگی به رشد اقتصادی وجود دارد ولی رشد اقتصادی علت گرنجری توسعه بیمه‌های زندگی و غیرزندگی نیست. محقق زاده و همکاران (Mohagheghzadeh & et al:2018)، به بررسی تأثیر بیمه‌های زندگی و غیرزندگی بر رشد اقتصادی ۳۰ کشور منتخب توسعه یافته و ۲۴ کشور منتخب در حال توسعه طی بازه زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰ به روش GMM پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که توسعه بیمه‌های زندگی و غیرزندگی هر دو بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تأثیر مثبت دارند، همچنین به دلیل سطح درآمد سرانه پایین کشورهای در حال توسعه، تأثیر بیمه‌های زندگی و غیرزندگی بر رشد اقتصادی آنها بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. اسدزاده و نقیبی (Asadzadeh & Naqibi:2019) به بررسی تأثیر توسعه بیمه بر رشد اقتصادی با توجه به نقش نهادهای محیطی در ۲۰ کشور طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ با مدل‌های رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی (PSTR) پرداخته‌اند. نتایج مطالعه حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌دار متغیرهای تورم و شاخص توسعه مالی بر رشد اقتصادی و تأثیر منفی و معنی‌دار ضریب نفوذ بیمه، نهادهای محیطی و مخارج دولت در رژیم حادی اول، همچنین تأثیر مثبت و معنی‌دار ضریب نفوذ بیمه، نهادهای محیطی و مخارج دولت و تأثیر منفی و معنی‌دار متغیرهای تورم و درجه باز بودن اقتصاد در رژیم حادی دوم بر روی رشد اقتصادی بود. شاه‌آبادی و همکاران (Shah abadi & et al:2019)، اثر متقابل توسعه مالی و شاخص‌های آزادی اقتصادی بر ضریب نفوذ بیمه در ۱۵ کشور ناموفق بیمه‌ای را با رویکرد GMM طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۰ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد، اثر متقابل توسعه مالی و کلیه شاخص‌های آزادی اقتصادی بر ضریب نفوذ بیمه مثبت و معنادار است. همچنین، اثر انفرادی توسعه مالی و شاخص آزادی اقتصادی کل مثبت و معنادار است. اما، تأثیر انفرادی آنها بر ضریب نفوذ بیمه نسبت به اثر متقابل آنها کمتر است. از مطالعات داخلی دیگر می‌توان به مطالعات هوشمند و دانش‌نیا (Hushmand & Danshnia:2012)، جابری خسروشاهی و همکاران (Jaberi Khosro Shahi & et al:2012)، صامتی و سجادی (Sameti & (Sajadi:2013)، دهمرده و شکری (Dahmardeh & SHokri:2011)، سالم و عرب‌یار محمدی (Salem & Arab yar mohamadi:2012)، علمی و آریانی (Elmi & Aryani:2014)، میرزائی و

همکاران (Mirzaei & et al:2015)، احمدی و همکاران (Ahmadi & et al:2016)، صمدی و همکاران (Samadi & et al:2016)، حسینی (Hosseini:2016)، آل عمران و شکوهی فرد (Alomran & Shokuhifar:2017)، ادیب‌پور و محمدی ویایی (Adibpuor & Mohamadi:2017)، هدایت (Hedayat:2018)، شاه‌آبادی و مهری تلیایی (Shahabadi & meritliabi:2018)، صادقی و همکاران (Sadeghi & et al:2018)، قربانی و همکاران (Ghorbani & et al:2018) و صمدی و شاه‌علی (Samadi & Shahali:2018) اشاره کرد. وجه تمایز مطالعه حاضر از مطالعات مذکور در بررسی نقش توسعه صنعت بیمه در دسترسی به رشد اقتصادی به همراه بهبود توزیع درآمد است. مطابق با بررسی‌های نگارنده این موضوع تابحال با این دیدگاه و رویکرد مورد مطالعه قرار نگرفته است.

### معرفی مدل

بر اساس مبانی نظری و مطالعات صورت گرفته برای بررسی اثرات توسعه صنعت بیمه بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد دو مدل اقتصادسنجی به صورت زیر در نظر گرفته شده است:

$$LGDPNL_t = \alpha_0 + \alpha_1 LCAPL_t + \alpha_2 LHCAP_t + \alpha_3 LOPEN_t + \alpha_4 LINS_t + e_t \quad (1)$$

$$LGINI_t = \beta_0 + \beta_1 L XO_t + \beta_2 LCPI_t + \beta_3 LCAPL_t + \beta_4 LHCAP_t + \beta_5 LINS_t + w_t \quad (2)$$

که در آن در آن، LGDPL: لگاریتم طبیعی سرانه تولید ناخالص داخلی بدون نفت نیروی کار (جمعیت شاغل)، LCAPL: لگاریتم طبیعی موجودی سرمایه سرانه جمعیت شاغل؛ LOPEN: لگاریتم طبیعی شاخص باز بودن تجاری (نسبت مجموع صادرات و واردات به کل تولید ناخالص داخلی)؛ LHCAP: متوسط سال‌های تحصیل شاغلین به عنوان سرمایه انسانی؛ LINS: لگاریتم طبیعی ضریب نفوذ صنعت بیمه؛ LGINI: لگاریتم طبیعی ضریب جینی، LXO: لگاریتم طبیعی درآمدهای نفتی کشور؛ LCPI: لگاریتم طبیعی شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرف کننده؛ و  $w$ : جزء خطای مدل‌ها و  $t$  نیز عامل زمان (سال) است. شایان ذکر است در مطالعات تجربی عمدتاً متغیر سطح درآمد در مدل توزیع درآمد حضور دارد اما در مطالعه حاضر فرض شده است که سطح درآمد افراد تحت تأثیر ثروت فیزیکی (سرمایه فیزیکی یا همان CAPL) و ثروت و سرمایه انسانی (مهارت، تخصص و سطح تحصیلات یا همان HCAP) تعیین می‌شود. بر همین اساس در

مدل توزیع درآمد بجای متغیر لگاریتم طبیعی سطح درآمد از دو متغیر LHCAP و LCAPL استفاده شده است. الگوهای تحقیق برای دوره زمانی ۱۳۵۴-۱۳۹۵ با استفاده از روش خودتوضیحی با وقفه‌های گسترده (ARDL) برآورد خواهند شد.

### ۵- برآورد مدل و تحلیل نتایج

استفاده از روش OLS در برآورد رابطه بلندمدت، به دلیل در نظر نگرفتن واکنش‌های پویای کوتاه‌مدت موجود بین متغیرها، لزوماً برآورد بدون تورشی را ارائه نخواهد کرد. از این رو، منطقی به نظر می‌رسد؛ در چنین مواردی الگوهای مورد توجه قرار گیرد که پویایی‌های کوتاه‌مدت را در خود داشته باشند و در نتیجه موجب شوند تا ضرایب الگو با دقت بیشتری برآورد شوند. روش ARDL الگویی پویاست که این امکان را فراهم می‌آورد؛ تا علاوه بر آزمون همجمعی بین متغیرها، ضرایب بلندمدت مدل را با دقت مناسب برآورد کرد (Nofersti, 2008). مزیت اصلی بکارگیری روش ARDL این است که صرف نظر از اینکه متغیرهای تحقیق در سطح دارای ریشه واحد (Unit root) باشند یا برخی با یکبار تفاضل‌گیری مانا (Stationary) شوند، می‌توان رابطه هم‌انباشتگی (بلندمدت) بین متغیرها را بررسی و بدست آورد (جدول (۱)).

جدول ۱- نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته

نتیجه آزمون	آماره محاسباتی		حالت آزمون (c,t)	متغیر
	با یکبار تفاضل‌گیری	در سطح		
مانا با یکبار تفاضل‌گیری	-۴/۵۸۲*	-۰/۸۶۸	(۰,۰)	$LGDPNL_t$
مانا با یکبار تفاضل‌گیری	-۴/۱۲۱*	-۰/۷۵۷	(۰,۰)	$LCAPL_t$
مانا با یکبار تفاضل‌گیری	-۶/۳۵۵*	-۲/۱۷۸	(۱,۱)	$LHCAP_t$
مانا با یکبار تفاضل‌گیری	-۴/۵۴۹*	-۳/۲۰۷	(۱,۱)	$LOPEN_t$
مانا با یکبار تفاضل‌گیری	-۶/۸۰۲*	-۱/۸۶۳	(۱,۱)	$LINS_t$
مانا در سطح	...	-۳/۷۷۳**	(۱,۱)	$LGINI_t$
مانا با یکبار تفاضل‌گیری	-۴/۴۸۳*	-۲/۴۰۰	(۱,۰)	$LXO_t$
مانا با یکبار تفاضل‌گیری	-۴/۱۴۵**	-۲/۳۵۲	(۱,۱)	$LCPI_t$

ملاحظات: \*، \*\* و \*\*\* به ترتیب معنی‌داری را در سطح احتمال یک، پنج و ده درصد نشان می‌دهند. همچنین C و t به ترتیب اشاره به حالت آزمون با عرض از مبدا و روند دارد.

منبع: یافته‌های تحقیق

اولین گام در روش ARDL تعیین وقفه‌های بهینه مدل است. تعداد وقفه‌های بهینه برای هر یک از متغیرهای توضیحی را می‌توان با کمک یکی از ضوابط آکائیک (Akaike Criter:AIC)، شوارتز-بیزین (Schwarz Criter:SBC)، حنان-کوئین (Hannan-Quinn Criter:HQC) و یا ضریب تعیین تعدیل شده (R-Bar Squared) تعیین کرد. معمولاً در نمونه‌های کمتر از ۱۰۰، از معیار شوارتز-بیزین استفاده می‌شود، تا درجه آزادی زیادی از بین نرود. این معیار در تعیین وقفه‌ها صرفه جویی می‌نماید و در نتیجه، تخمین از درجه آزادی بیشتری برخوردار خواهد بود (Boys and Shane, 1996). در این مطالعه نیز بر اساس معیار شوارتز-بیزین (SBC) تعداد وقفه‌های بهینه مدل‌ها تعیین شده است (حداکثر تعداد وقفه برابر با ۳ در نظر گرفته شده است). نتایج برآوردها در جدول (۲) ارائه شده است.

بر اساس معیارهای خوبی برازش؛ هر دو رگرسیون از معنی‌داری کامل برخوردار هستند و آزمون‌های تشخیص نیز عدم وجود خودهمبستگی سریالی، همسانی واریانس، فرم تییعی صحیح و نرمال بودن توزیع پسماندهای مدل‌های برآورد شده را تأیید می‌کنند.

بر اساس نتایج حاصل از برآورد پویای مدل‌های تحقیق در جدول (۲)، در کوتاه مدت رشد یک درصدی ضریب نفوذ صنعت بیمه منجر به تغییر ۰/۰۶۸ درصدی در سرانه تولید ناخالص داخلی بدون نفت نیروی کار شاغل خواهد شد. این اثر در مورد توزیع درآمد روی هم رفته (مجموع اثر آنی و یکسال وقفه) برابر با ۰/۰۸۱- درصد است. از سایر متغیرهای اثرگذار بر ضریب جینی می‌توان به درآمدهای نفتی کشور اشاره کرد که در ابتدا اثر مثبت و با یکسال وقفه اثر منفی دارد. اثر منفی سرمایه انسانی بر ضریب جینی با وقفه دو و سه ساله و اثر منفی سرمایه فیزیکی نیز با وقفه سه ساله خود را نشان می‌دهند. تغییرات سطح قیمت‌ها اثرات مثبت، بدون وقفه و معنی‌داری بر ضریب جینی دارد. در مورد رشد اقتصادی نیز متغیرهای سرمایه انسانی و فیزیکی دارای اثرات با وقفه و بدون وقفه معنی دار هستند اما متغیر باز بودن تجاری صرفاً بعد از یکسال اثر مثبت و معنی‌داری بر روی رشد اقتصادی دارد.

---

آزمون‌های ثبات ساختاری CUSUM و CUSUMSQ نیز نشان می‌دهند که ضرایب تخمینی برای هر دو مدل در طول دوره مورد مطالعه با ثبات هستند. برای رعایت اختصار در اینجا نمودارهای مربوطه ارائه نشده است.

جدول ۲- نتایج حاصل از برآورد مدل پویا

حالت بهینه مدل	ARDL(۲,۱,۲,۲,۰)			حالت بهینه مدل	ARDL(۱,۱,۲,۳,۳,۱)		
متغیر وابسته	$LGDPNL_t$			متغیر وابسته	$LGINI_t$		
متغیر	ضرایب	انحراف معیار	متغیر	متغیرها	انحراف معیار	متغیرها	متغیرها
$LGDPNL_{t-1}$	۰/۶۱۳	۰/۱۲۶	*	$LGINI_{t-1}$	۰/۳۱۹	۰/۱۷۶	***
$LGDPNL_{t-2}$	۰/۴۹۵-	۰/۱۱۴	*	$LXO_t$	۰/۰۶۸	۰/۰۲۶	**
$LCAPL_t$	۱/۰۲۲	۰/۲۰۰	*	$LXO_{t-1}$	۰/۱۲۶-	۰/۰۳۳	*
$LCAPL_{t-1}$	۰/۴۹۸-	۰/۱۸۸	**	$LCPI_t$	۰/۲۶۹	۰/۱۲۳	**
$LHCAP_t$	۲/۱۲۹	۰/۷۲۶	*	$LCPI_{t-1}$	۰/۲۲۹-	۰/۱۷۵	
$LHCAP_{t-1}$	۰/۲۶۲-	۰/۸۱۳	***	$LCPI_{t-2}$	۰/۱۸۹	۰/۱۲۲	
$LHCAP_{t-2}$	۱/۷۱۶-	۰/۶۵۴	**	$LHCAP_t$	۰/۴۴۷	۱/۱۳۶	
$LOPEN_t$	۰/۰۲۶	۰/۰۲۹		$LHCAP_{t-1}$	۱/۶۵۱-	۱/۱۹۷	
$LOPEN_{t-1}$	۰/۰۸۲-	۰/۰۳۷	**	$LHCAP_{t-2}$	۲/۹۵۰-	۱/۳۱۵	**
$LOPEN_{t-2}$	۰/۱۰۹	۰/۰۳۰	*	$LHCAP_{t-3}$	۲/۸۹۷	۰/۹۳۰	*
$LINS_t$	۰/۰۶۸	۰/۰۲۴	*	$LCAPL_t$	۰/۱۷۲	۰/۲۷۰	
عرض از مبدا	۲/۴۹۵-	۰/۳۴۸	*	$LCAPL_{t-1}$	۰/۴۹۲-	۰/۳۵۸	
				$LCAPL_{t-2}$	۰/۱۲۰	۰/۳۷۴	
				$LCAPL_{t-3}$	۰/۴۱۶-	۰/۲۱۲	***
				$LINS_t$	۰/۱۶۱-	۰/۰۵۴	*
				$LINS_{t-1}$	۰/۰۸۰	۰/۰۴۷	***
				عرض از مبدا	۰/۲۱۷-	۰/۳۶۱	
$R^2$	۰/۹۸۵			$R^2$	۰/۸۴۹		
$\bar{R}^2$	۰/۹۷۷			$\bar{R}^2$	۰/۷۱۵		
P(F(۱۱, ۲۳)=۱۳۴/۴۵۱)=۰/۰۰۰				P(F(۱۶, ۱۸)=۶/۳۲۸)=۰/۰۰۰			
خود همبستگی سریالی	P(F(۱, ۲۲)=۰/۱۳۳)=۰/۷۲۰			خود همبستگی سریالی	P(F(۱, ۱۷)=۱/۲۵۳)=۰/۲۷۹]		
فرم تابع	P(F(۱, ۲۲)=۱/۸۵۰)=۰/۱۸۸			فرم تابع	P(F(۱, ۱۷)=۰/۰۰۹)=۰/۹۲۴		
همسانی واریانس	P(F(۱, ۳۳)=۰/۱۸۲)=۰/۶۷۲			همسانی واریانس	P(F(۱, ۳۳)=۱/۵۹۰)=۰/۲۱۶		
نرمالیتی	P( $\chi^2(۲)=۱/۹۹۱)=۰/۳۷۰$			نرمالیتی	P( $\chi^2(۲)=۱/۵۹۹۷)=۰/۴۴۹$		
آزمون هم‌انباشتگی	***۳/۶۹۰[-=			آزمون هم‌انباشتگی	***۳/۸۶۹[-=		

ملاحظات: \*، \*\* و \*\*\* به ترتیب معنی‌داری را در سطح احتمال یک، پنج و ده درصد را نشان می‌دهند.

منبع: یافته‌های تحقیق



حال به بررسی وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای دو مدل پرداخته می‌شود. در این راستا

آماره  $t = ((\sum_{i=1}^p \hat{\alpha}_i - 1) / \sum_{i=1}^p S.E_{\alpha_i})$  محاسبه و با کمیت‌های ارائه شده توسط بنرجی،

دولادو و مستر (Banerjee, Dolado & Mestre:1998)، مقایسه می‌شود ( $\sum_{i=1}^p \hat{\alpha}_i$  مجموع

ضرایب متغیرهای با وقفه مربوط به متغیر وابسته و  $\sum_{i=1}^p S.E_{\alpha_i}$  مجموع انحراف معیارهای این

ضرایب است). مقدار محاسباتی آماره  $t$  در انتهای جدول (۲) برای هر دو مدل ارائه شده است. این

مقادیر محاسباتی در سطح اطمینان ۹۰ درصد، هر دو بزرگ‌تر از کمیت متناظر آنها در جدول ارائه

شده توسط بنرجی، دولادو و مستر (Banerjee, Dolado & Mestre:1998) است. در نتیجه

فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد می‌شود. نتایج حاصل از برآورد روابط

بلندمدت مربوط به هر دو مدل تحقیق در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج حاصل از برآورد مدل بلندمدت

متغیر وابسته	$LGDPNL_t$			متغیر وابسته	$LGINI_t$		
	متغیر	ضرایب	انحراف معیار		متغیرها	انحراف معیار	
	$LCAPL_t$	۰/۵۹۵	۰/۰۷۰	*	$LXO_t$	۰/۰۸۵-	۰/۰۶۸
	$LHCAP_t$	۰/۱۷۱	۰/۰۶۲	**	$LCPI_t$	۰/۳۳۷-	۰/۱۷۲
	$LOPEN_t$	۰/۰۵۹	۰/۰۳۴	***	$LHCAP_t$	۱/۸۴۷-	۰/۸۰۳
	$LINS_t$	۰/۰۷۷	۰/۰۲۴	*	$LCAPL_t$	۰/۹۰۴-	۰/۳۴۹
عرض از مبدا		۲/۸۳۰-	۰/۳۲۶	*	$LINS_t$	۰/۱۱۹-	۰/۱۰۰
					عرض از مبدا	۰/۳۱۹-	۰/۴۹۱

ملاحظات: \*، \*\* و \*\*\* به ترتیب معنی‌داری را در سطح احتمال یک، پنج و ده درصد را نشان می‌دهند.

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس روابط بلندمدت برآورد شده تغییر یک درصدی در موجودی سرمایه سرانه شاغلین،

سرمایه انسانی نیروی کار شاغل، شاخص باز بودن تجاری و ضریب نفوذ بیمه به ترتیب منجر به

تغییر ۰/۵۹۵، ۰/۱۷۱، ۰/۰۵۹ و ۰/۰۷۷ درصدی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی

کار شاغل می‌شود. همچنین بر اساس جدول (۳) در بلندمدت صرفاً متغیرهای لگاریتم شاخص

قیمت کالاها و خدمات مصرف کننده (LCPI)، لگاریتم سرمایه انسانی (LHCAP) و لگاریتم موجودی سرانه نیروی کار شاغل (LCAPL) در تعیین ضریب جینی نقش دارند و بر این اساس؛ تغییر یک درصدی در سطح عمومی قیمت‌ها، سرمایه انسانی (سطح آموزش و مهارت نیروی کار) و سرمایه فیزیکی به ترتیب منجر به تغییر ۰/۳۳۷، ۱/۸۴۷- و ۰/۹۰۴- درصدی در ضریب جینی می‌شوند. به هر حال در بلندمدت تأثیر متغیرهای درآمدهای نفتی و ضریب نفوذ بیمه بر ضریب جینی معنی‌دار نیست.

جدول ۴- نتایج حاصل از برآورد مدل تصحیح خطا

متغیر وابسته	$LGDPNL_t$			متغیر وابسته	$LGINI_t$		
	ضرایب	انحراف معیار	*		متغیرها	انحراف معیار	*
$dLGDPNL_{t-1}$	۰/۴۹۵	۰/۱۱۴	*	$dLXO_t$	۰/۰۶۸	۰/۰۲۶	**
$dLCAPL_t$	۱/۰۲۲	۰/۲۰۰	*	$dLCPI_t$	۰/۲۶۹	۰/۱۲۳	**
$dLHCAP_t$	۲/۱۲۹	۰/۷۲۶	*	$dLCPI_{t-1}$	۰/۱۸۹-	۰/۱۲۲	
$dLHCAP_{t-1}$	۱/۷۱۶	۰/۶۵۴	**	$dLHCAP_t$	۰/۴۴۷	۱/۱۳۶	
$dLOPEN_t$	۰/۰۲۶	۰/۰۲۹		$dLHCAP_{t-1}$	۰/۰۵۳	۱/۰۴۷	
$dLOPEN_{t-1}$	۰/۱۰۹-	۰/۰۳۰	*	$dLHCAP_{t-2}$	۲/۸۹۷-	۰/۹۳۰	*
$dLINS_t$	۰/۰۶۸	۰/۰۲۴	*	$dLCAPL_t$	۰/۱۷۲	۰/۲۷۰	
عرض از مبدا	۲/۴۹۵-	۰/۳۴۸	*	$dLCAPL_{t-1}$	۰/۲۹۶	۰/۲۶۳	
$ecm_{t-1}$	۰/۸۸۲-	۰/۱۰۸	*	$dLCAPL_{t-2}$	۰/۴۱۶	۰/۲۱۲	***
				$dLINS_t$	۰/۱۶۱-	۰/۰۵۴	*
				عرض از مبدا	۰/۲۱۷-	۰/۳۶۱	
				$ecm_{t-1}$	۰/۶۸۱-	۰/۱۷۶	*
$R^2$	۰/۹۸۲			$R^2$	۰/۸۳۷		
$\bar{R}^2$	۰/۸۴۰			$\bar{R}^2$	۰/۶۹۳		
P(F(۸,۲۶)=۲۳/۶۶۰)=۰/۰۰۰				P(F(۱۱,۲۳)=۸/۴۲۸)=۰/۰۰۰			

ملاحظات: \*، \*\* و \*\*\* به ترتیب معنی‌داری را در سطح احتمال یک، پنج و ده درصد را نشان می‌دهند.

منبع: یافته‌های تحقیق

وجود هم‌انباشتگی بین مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی، مبنای آماری استفاده از الگوهای تصحیح خطا (ECM) را فراهم می‌آورد. این الگوی رفتار کوتاه‌مدت متغیر وابسته را با مقدار

تعادلی بلندمدت آن ارتباط می دهد. بر اساس نتایج برآورد شده در جدول (۴)؛  $۶۸/۱$  درصد از عدم تعادل متغیر لگاریتم طبیعی ضریب جینی پس از گذشت یکسال از بین می رود. این رقم برای لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار برابر با  $۸۸/۲$  درصد است.

### نتیجه گیری

برای دستیابی به رشد اقتصادی بالا همراه با بهبود توزیع درآمد همواره از دغدغه های اصلی سیاستگذاران کشورهای در حال توسعه بوده است. در این راستا کشورها به توجه به تجربه های تاریخی خود و سایر کشورها و همچنین مبانی و مطالعات نظری و تجربی راهبرد توزیع درآمد به همراه رشد را بر راهبرد تقدم رشد بر توزیع درآمد و یا برعکس ترجیح می دهند. از طرفی انتظار بر این است، بیمه با توجه نقش کارکردی آن در توزیع ریسک و جبران خسارت و همچنین نقش آن در توسعه مالی بتواند دسترسی همزمان به رشد اقتصادی و توزیع درآمد را فراهم کند. در مطالعه حاضر این فرضیه برای اقتصاد ایران طی دوره زمانی  $۱۳۵۴-۱۳۹۵$  با استفاده از روش ARDL مورد آزمون واقع شد.

نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به توزیع درآمد به صورت  $ARDL(۱,۱,۲,۳,۳,۱)$  نشان داد که متغیرهای ضریب نفوذ بیمه به صورت آنی و با وقفه یکساله، سرجمع تأثیر منفی بر ضریب جینی دارد. همچنین درآمدهای نفتی نیز در اثرگذاری بر ضریب جینی رفتاری شبیه توسعه صنعت بیمه دارد به طوریکه اثر آن در ابتدا مثبت و با یکسال وقفه منفی است. اما سرمایه انسانی با وقفه دو و سه سال و سرمایه فیزیکی با وقفه سه ساله اثر منفی بر ضریب جینی دارند. همچنین نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به رشد اقتصادی در حالت بهینه  $ARDL(۲,۱,۲,۲,۰)$  نشان داد که توسعه صنعت بیمه اثر مثبت و بدون وقفه ای بر رشد اقتصادی دارد. متغیرهای سرمایه انسانی و فیزیکی دارای اثر با وقفه و بدون وقفه معنی دار و در مجموع مثبت و متغیر باز بودن تجاری نیز بعد از یکسال اثر مثبت و معنی داری بر روی رشد اقتصادی دارد.

نتایج حاصل از برآورد روابط بلندمدت نیز نشان داد که کشش بلندمدت ضریب جینی نسبت به متغیرهای سطح عمومی قیمت ها، سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی به ترتیب برابر با  $۰/۳۳۷$ ،  $۱/۸۴۷$  و  $۰/۹۰۴$  است. اما علیرغم مثبت بودن کشش محاسباتی برای ضریب نفوذ بیمه و مثبت بودن آن برای درآمدهای نفتی، این ضرایب محاسباتی از نظر آماری معنی دار نبوده اند. در نتیجه

می‌توان نتیجه گرفت در بلندمدت درآمدهای نفتی و توسعه صنعت بیمه در توزیع درآمد تأثیر معنی‌داری ندارند. همچنین بر اساس رابطه بلندمدت برآورد شده برای مدل رشد اقتصادی، کشش تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار شاغل نسبت به متغیرهای موجودی سرانه نیروی کار شاغل، سرمایه انسانی نیروی کار شاغل، شاخص باز بودن تجاری و ضریب نفوذ بیمه، به ترتیب برابر با ۰/۵۹۵، ۰/۱۷۱، ۰/۰۵۹ و ۰/۰۷۷ است. نتایج حاصل از برآورد مدل تصحیح خطا نیز برای رشد اقتصادی حاکی از تعدیل ۸۸/۲ درصدی عدم تعادل برای تولید ناخالص داخلی سرانه بدون نفت طی یکسال است. این عدد برای لگاریتم طبیعی ضریب جینی برابر با ۶۸/۱ درصد است. بر اساس نتایج فوق می‌توان گفت توسعه صنعت بیمه در کوتاه مدت می‌تواند منجر به بهبود توزیع درآمد و رشد اقتصادی در کشور شود، اما در بلندمدت صرفاً رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. با توجه به آنکه سرمایه انسانی و فیزیکی هم در کوتاه مدت و هم بلندمدت دسترسی همزمان به توزیع درآمد (هر چند با وقفه بیش از یکسال) و رشد اقتصادی را فراهم می‌کنند، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران حداقل در کوتاه مدت برای بهبود رشد اقتصادی و توزیع درآمد، بسترهای لازم برای رشد صنعت بیمه را فراهم کنند. در بلندمدت توسعه صنعت بیمه، صرفاً رشد اقتصادی را افزایش خواهد داد. برای بهبود توزیع درآمد در بلندمدت ضرورت دارد، سیاستگذار در کنار توسعه صنعت بیمه به ارتقاء سطح آموزش و مهارت نیروی کار بخصوص در گروه‌های کم درآمد اقدام کنند و ضمن آن امکانات و تجهیزات فیزیکی به شیوه‌های مختلف در اختیار آنان قرار دهند.

## References

- [1] Abrahamsen, E. and F. Asche. (2010). "The Insurance Market's Influence on Investments in Safety Measures", *Safety Science*, Vol.10: Pp. 1279-1285.
- [2] Adibpour, Mehdi and Mohammadi Viaei, Azadeh. (2017). The Impact of Economic Corruption on Income Distribution Inequality, *Strategic and Macro Policy Quarterly*, 4(14): 153-168. (in Persian)
- [3] Ahmadi, Ali Akbar., Rostaminia, Mohammad Esmail and Gheibi, Alireza. (2017). The Impact of Financial Development on the Distribution of Income in Selected Developing and Developed Countries using the Generalized Method of Momentum (GMM), *Financial Economics (Financial Economics and Development)*, 10, (36): 15-32. (in Persian)
- [4] Aizenman, J., Jinjarak, Y., Ngo, N., & Noy, I. (2018). Vocational Education, Manufacturing, and Income Distribution: International Evidence and Case

- Studies. *Open Economies Review*, Vol. 29(3), Pp. 641-664.
- [5] Ale-omran, Roya and Shokohifard, Siamak. (2016). The Impact of Financial Sector Development on Income Distribution Index: (Dynamic Panel Data Approach), *Development Economics and Planning*, 5 (2): 43-74. (in Persian)
- [6] Alhassan, A.L and V., Fiador. (2014). "Insurance-Growth Nexus in Ghana: An Autoregressive Distributed Lag Bounds Cointegration Approach", *Review of Development Finance* Vol. 4, Issue 2: Pp 83-96.
- [7] Ang, J.B. (2009), "Financial Liberalization and Income Inequality", MPRA, Paper No. 14496.
- [8] Arena, M. (2008). "Does Insurance Market Activity Promote Economic Growth? A Cross-Country Study for Industrialized and Developing Countries", *Journal of Risk & Insurance*, Vol. 75(4): Pp. 921-946.
- [9] Asadzadeh, Shiva and Naqibi, Mohammad. (2018). The Impact of Insurance Development on Economic Growth in Selected Countries (Emphasizing on the Role of Environmental Institutions), *Applied Economics*, 8 (26): 73-87.
- [10] Asari, Abbas., Naseri, Alireza and Aghaei, Majid. (2009). The Impact of Financial Development on Poverty and Inequality in OPEC Countries, *Economic Research Quarterly*, 9 (3): 29-51. (in Persian)
- [11] Azizi, Firoozeh and Pasban, Fatemeh, (2008). The Relationship between Life Insurance and Economic Growth of Iran, *Journal of Insurance Industry*, 47: 62-75. (in Persian)
- [12] Banerjee, J. J. Dolado, and R. Mestre.(1998). "Error-Correction Mechanism Tests for Cointegration in a Single-Equation Framework", *Journal of Time Series Analysis*, Vol. 19(3): Pp. 267-283
- [13] Beck, T., Demiraguc-Kunt, A. and R., Levin (2004). "Finance, Inequality and Poverty: Cross-Country Evidence", *World Bank Policy Research Working Paper 3338*, World Bank, Washington D.C.
- [14] Bonfiglioli, A. (2012). "Investor Protection and Income Inequality: Risk Sharing Vs Risk Taking", *Journal of Development Economics*, Vol. 99: 92-104.
- [15] Caroli, E. and C. García-Peñalosa. (2002). "Risk Aversion and Rising Wage Inequality", *Economic Letter*, Vol. 77: 21-26.
- [16] Checchi, D. and C. García-Peñalosa. (2004). "Risk and the Distribution of Human Capital", *Economic Letter*, Vol. 82: Pp. 53-61.
- [17] Dahmardeh, Nazar and Shokri, Zainab. (2010). The Impacts of Financial Development on Income Distribution in Iran, *Quarterly Journal of Economic Research and Policy*, 18 (54): 147-164. (in Persian)
- [18] Elmi, Z. and F. Ariani. (2011). "Financial Development and the Distribution of Income in MENA", *Iranian Economic Review*, Vol. 28: Pp. 1-11.
- [19] Elmi, Zahra and Ariani, Faezeh. (2013). The Impact of Financial Development on Income Distribution in Iran, *Journal of Business Research*, 69: 133-158. (in Persian)
- [20] Galor. O and J. Zeira. (1993). "Income Distribution and Macroeconomics", *Review of Economic Studies*, Vol. 60, Pp: 35-52.

- [21] García-Peñalosa, C. and S.J. Turnovsky. (2005). "Production Risk and the Functional Distribution of Income in A Developing Economy: Tradeoffs and Policy Responses", *Journal of Development Economic*, Vol. 76: Pp. 175–208.
- [22] Greenwood, J. and B. Jovanovich. (1990). "Financial Development, Growth, and the Distribution of Income", *Journal of Political Economy*, Vol. 98: Pp. 1076-1107
- [23] Han, L., Li, D., Moshirian, F. and Y., Tian. (2010). "Insurance Development and Economic Growth", the *Geneva Papers On Risk and Insurance*, Vol. 35(3), Pp. 183-99.
- [24] Harold D. and Skipper, J.R. (1998). "Foreign Insurance in Emerging Markets: Issues and Concerns", Washington, D. C: International Insurance Foundation
- [25] Hooshmand, Mahmoud and Daneshnia, Mohammad. (2011). The Impact of Financial Development on Economic Growth in Iran, *Monetary-Financial Economics Journal*, (Former Knowledge and Development) New Period, 18 (2): 44-60. (in Persian)
- [26] Hosseinzadeh, Hedayat. (2017). The Impact of Economic Growth on Income Distribution in Middle Eastern and North African Countries: An Spatial Econometric Approach, *Economic Research and Policies*, 25 (82): 233-260. (in Persian)
- [27] Hosseini, Seyyed Shamsuddin. (2015). Income Distribution in Iran Using Gini and Atkinson Indices from 2001 to 2013, *Economic Research and Policies*, 23 (74): 55-74. (in Persian)
- [28] King, R.G. and Levine. R. (1993). "Finance and Growth: Schumpeter Might Be Right", *Quarterly Journal of Economics*. Vol. 108, No. 3: Pp. 717-737.
- [29] Khodadad Kashi, Farhad and Heydari, Khalil. (2008). Investigation of Income Distribution in Iran Using Taille, Atkinson Index and Gini Coefficient, *Economic Research Quarterly*, No. 4 (Special Edition of Economic Adjustment Scheme): Kugler, M. and R., Ofoghi. (2005). "Does Insurance Promote Economic Growth? Evidence from the UK", Working Paper, Division of Economics, University of Southampton, <[Http://Repec.Org/Mmfc05/Paper8.Pdf](http://Repec.Org/Mmfc05/Paper8.Pdf)>.151-179. (in Persian)
- [30] Jaberi Khosroshahi, Nasim., Mohammadvand Nahidi, Mohammad Reza and Norouzi, Davood. (2012). The Impact of Financial Development on Income Inequality in Iran, *Economic Growth and Development Research*, 2 (6): 173-208. (in Persian)
- [31] Jafari Samimi, Ahmad and Ebrahim, Kargar. (2006). Does Insurance Development Support Economic Growth? (Iranian Economic Analysis 1959-2003), *Journal of Economic Research*, 6 (2): 17-39. (in Persian)
- [32] Jahangard, Esfandiar. (2011). Insurance and Economic Growth in Iran, *Journal of Economic Research and Policies*, 19 (59): 53-80. (in Persian)
- [33] James, A. (2008). "What Are the Mechanisms Linking Financial Development and Economic Growth in Malaysia?", *Economic Modelling*, Vol. 25: Pp. 38–53
- [34] Lee, Ch-Ch, Lee, Ch-Ch & Chiu, Y-B. (2013). "The Link Between Life

- Insurance Activities and Economic Growth: Some New Evidence”, *Journal of International Money and Finance*, Vol. 32: PP. 405–427
- [35] Levine, R. (2004). “Finance and Growth: Theory and Evidence”, NBER Working Paper.
- [36] Li, F. and Y. Liao. (2014). “Directors and Officers Liability Insurance and Investment Efficiency: Evidence from Taiwan”, *Pacific-Basin Finance Journal*, Vol. 29(1): Pp. 18–340.
- [37] Li, H., Squire, L. and H., Zou. (1998). “Explaining International and Interttemporal Variations in Income Inequality”, *the Economic Journal*, 108, Pp 26-43.
- [38] Liang, Z. (2006). “Financial Development and Income Distribution: A System GMM Panel Analysis with Application to Urban China”, *Journal of Economic Development*, Vol. 31(2): PP. 1-21
- [39] Manoel, F. and M., Bittencourt. (2006). “Financial Development and Inequality: Brazil 1985-99”, Working Papers 26, Society for the Study of Economic Inequality, Revised.
- [40] Mehregan, Nader and Salarian, Mohammad. (2008). The Effect of Social Insurance on Income Inequality in Iran, *Journal of Social Welfare*, 8 (30-31): 243-263. (in Persian)
- [41] Merton, R. C. (1992). “Financial Innovation and Economic Performance”, *Journal of Applied Corporate Finance*. Volume 4, Issue 4: PP. 12–22.
- [42] Merton, R.C. and Bodie, Z. (1995). “A Conceptual Framework For Analyzing the Financial Environment”, in the *Global Financial System: A Functional Perspective*, Eds: D.B. Crane, Et Al., and Boston, MA: Harvard Business School Press.
- [43] Mirzaei, Amir., Hassani, Mohammad and Nouredini, Seyed Sadr al-Din. (2014). The Impact of Important Insurance Characteristics on Economic Growth in OPEC Member States Using the GMM Dynamic Panel Model, *Insurance Research Journal*, Twenty-ninth Year, Issue 1, Cell No. 113: Pages 1-22. (in Persian)
- [44] Mohagheghzadeh, Fatemeh, Shirin Bakhsh, Shamsollah, Najafizadeh, Abbas, Daghighi Asli, Alireza. (2017). The Impact of Life and Non-Life Insurance on Economic Growth. *Iranian Journal of Applied Economic Studies*, 6 (23): 205-230. (in Persian)
- [45] Motameni, M. (2015). Private Insurance and Income Inequality in Iran, *Asian Economic and Financial Review*, 2015, Vol. 5(3): PP.418-425.
- [46] Noferesti, Mohammad (1999). *Unit Root and Cointegration in Econometrics*; Rasa Institute of Cultural Services, First Edition. (in Persian)
- [47] Pesaran, M.H. and Pesaran. B. (1997), “Working With Microfit4.0: Interactive Econometric Analysis”, Oxford: Oxford University Press.
- [48] Pesaran, M.H., and Shin. Y. (1996). “Co-Integration and Speed of Convergence to Equilibrium”, *Journal of Econometrics*, Vol. 71: Pp. 43-117.
- [49] Rossignolo, D. (2017). Taxes, Expenditures, Poverty, and Income Distribution in Argentina. *Commitment to Equity Handbook: A Guide to Estimating the*

- Impact of Fiscal Policy on Inequality and Poverty: Pp. 1-30
- [50] Saint-Paul, G. and T. Verdier, (1996). "Inequality, Redistribution and Growth: A Challenge to the Conventional Political Economy Approach", *European Economic Review*, 40: PP 719-28
- [51] Sadeghi, Seyed Kamal, Beheshti, Mohammad Bagher, Ranjpour, Reza and Ebrahimi, Saeed. (2017). Fiscal Policies and Income Distribution in Iran: FAVAR Approach, *Economic Modeling*, 11 (39): 75-98. (in Persian)
- [52] Samadi, Ali Hossein and Shah Ali, Leila. (2017). The Impact of Population Transition on Government Expenditures and Income Distribution in Iran: Application of The Threshold Cointegration, *Economic Research*, 2 (52): 325-346. (in Persian)
- [53] Samadi, Ali Hossein, Dehghan Shabani, Zahra and Moradi Kouchi, Atefeh. (2015). Spatial Analysis of the Impact of Income Distribution Inequality on Economic Growth in Iran, *Economic Growth and Development Research*, 5 (19): 57 - 72. (in Persian)
- [54] Sameti, Majid and Sajjadi, Zahra Sadat. (2012). The Impact of Financial Development on Income Inequality: A Case Study of Developing Countries, *Macroeconomic Research Journal*, 7 (14): 129-150. (in Persian)
- [55] Shah Abadi, Abolfazl., Ahmadi, Masoumeh and Moradi, Ali, (2018). Interaction between financial development and economic freedom on insurance penetration factor in selected countries failing to develop insurance industry, *Journal of Economic Modeling Research*, 8 (31): 41-68. (in Persian)
- [56] Shahbazi, Kiomars., Bashir Khodaparasti, Ramin and Ehterami, Mahmoud. (2013). The Relationship between Life and Non-Life Insurance Development and Economic Growth in Iran: Application of the Bands Test Approach, *Insurance Research Journal*, 28 (3): 21-47. (in Persian)
- [57] Sharif Zadegan, Mohammad Hossein. (2007). Strategies for Economic Development and Social Justice, *Journal of Social Welfare*, 6 (24): 9-29. (in Persian)
- [58] Suleiman, A. B. and Aamer. S. A. (2007). "Financial Development and Economic Growth: the Egyptian Experience", *Journal of Policy Modeling*, Article in Press.
- [59] V. Burkhauser, R. & K.I., Simon. (2010). "Measuring the Impact of Health Insurance on Levels and Trends in Inequality", NBER Working Paper No. 15811
- [60] Wadlamannati, K.C. (2008). "Do Insurance Sector Growth & Reforms Effect Economic Development? Empirical Evidence from India", the *Journal of Applied Economic Research*, Vol. 2(1): Pp. 43-86.
- [61] Ward, D. and Zurbruegg, R. (2000). "Does Insurance Promote Economic Growth? Evidence from OECD Countries", the *Journal of Risk and Insurance*, VOL.67 (4), Pp. 489-506.
- [62] Webb, Ian P., Grace, M.F. & D. Skipper, Harold. (2002). "The Effect of Banking and Insurance On the Growth of Capital and Output, Center For Risk Management and Insurance Working Paper No. 02-1, Robinson College of



---

Business, Georgia State University, Atlanta. [Www.Centinsur.Ir](http://www.Centinsur.Ir)

- [63] Zhicheng Liang. (2006). "Financial Development and Income Distribution: A System GMM Panel Analysis with Application Turban China", *Journal of Economic Development*, Vol. 31, No. 2: Pp. 1-21.